



## نوآوری‌ها و مجرّبات حکیم سید محمد مؤمن تنکابنی در کتاب تحفه المؤمنین

روجا رحیمی<sup>الف\*</sup>، محمد رضا شمس اردکانی<sup>الف</sup>، فاطمه فرجادمند<sup>ب</sup>

<sup>الف</sup>دانشکده‌ی طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

<sup>ب</sup>معاونت غذا و دارو، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

### چکیده

کتاب "تحفه المؤمنین" دارونامه‌ی جامعی از داروهای مفرد و مرکب است که توسط دانشمندِ حکیم، سید محمد مؤمن تنکابنی از طبیبان بزرگ شیعه مذهب در ۱۰۸۰ هجری قمری تالیف شده است. نسخه‌های خطی بسیار، چاپ‌های متعدد و ترجمه‌ی آن به زبان عربی و ترکی که اندکی پس از نگارش آن صورت گرفت اهمیت آن را نشان می‌دهد. این کتاب هنوز هم نزد پیروان پزشکی سنتی اعتبار زیادی دارد. در کتاب تحفه المؤمنین علاوه بر مطالبی که از کتب پیشین نقل قول شده، مؤلف به بیان تجربیات و نوآوری‌های خود نیز پرداخته است. در این مقاله سعی شده است تا به گوشاهی از تجربیات و نوآوری‌های حکیم سید محمد مؤمن تنکابنی که در کتاب تحفه المؤمنین به آن اشاره گردیده، پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** تحفه المؤمنین، محمد مؤمن تنکابنی، نوآوری‌ها، مجرّبات، مفردات، مرکبات

### ۱. مقدمه

تنکابنی و جدش میر عطاء الله که هر دو پزشک بودند یاد کرده است. در مقدمه‌ی تحفه، مؤلف اشاره نموده است که این کتاب مشتمل بر پنج تشخیص و سه دستور است؛ ولی در تمام نسخه‌های موجود، فقط دو دستور آمده و احتمالاً دستور سوم اصلاً نوشته نشده است (۲).

از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب، کاربرد فراوان واژه‌های مترادف از زبان‌ها و گوییش‌های مختلف است، مترادف‌های به زبان‌های یونانی، سریانی، رومی، عبرانی، فارسی و عربی (در مجموع از پانزده گوییش عربی و ازههایی ذکر گردیده است). هم‌چنین واژه‌هایی از زبان‌های حامی چون بربری، حبسی و قبطی آورده شده است. حکیم مؤمن علاوه بر به کارگیری فارسی معیار زمان خود، از واژه‌های گوییش‌های مختلف فارسی نیز بسیار استفاده کرده است. از جمله واژه‌های رایج در اصفهان، تنکابن، دیلم، مازندران، طبرستان، شیراز، گیلان،

کتاب "تحفه المؤمنین" دارونامه‌ی جامعی از داروهای مفرد و مرکب است و براساس نوشته‌ی مؤلف با هدف تصحیح کتاب "اختیارات بدیعی"، تألیف علی بن حسین انصاری نوشته شده و به شاه سلیمان، پادشاه صفویه تقدیم شده است. این کتاب به تحفه‌ی حکیم مؤمن و تحفه‌ی سلیمانی نیز معروف می‌باشد. تحفه المؤمنین از زمان نگارش در ۱۰۸۰ هجری قمری، تا حدود سه قرن از کتاب‌های مهم پزشکی در ایران بوده است. نسخه‌های خطی بسیار، چاپ‌های متعدد و ترجمه‌ی آن به زبان عربی و ترکی که اندکی پس از نگارش آن صورت گرفت، اهمیت آن را نشان می‌دهد. این کتاب هنوز هم نزد پیروان پزشکی سنتی، اعتبار بسیاری دارد (۱).

مؤلف بارها در این کتاب از نظریات پدرش میر محمد زمان

مخفی نماند که هرچه مجرّب دیگران است به لفظ گویند مجرّب است یا مجرّب دانسته‌اند ادا می‌شود و آنچه حقیر تجربه نموده به لفظ مجرّب است مذکور می‌سازد.» نوآوری‌های حکیم مؤمن بیشتر در قسمت مرکبات به‌چشم می‌خورد و بهاین منظور از لفظ "اختراع حقیر" استفاده نموده است (۱).

در اینجا به گوشهای از تجربیات و نوآوری‌های حکیم سید محمد مؤمن تنکابنی که در کتاب تحفه المؤمنین به آن اشاره گردیده برداخته می‌شود.

## ۲. نوآوری‌ها و محرّکات در قسمت مفرّدات

- طلای آبنوس جهت تجفیف و گوشت آوردن قروح خبیثه و منع جوشش‌های پر آب و آبله کردن اعضاء مجرّب است.
  - طلای ابرون جهت بادسرخ که تیغ زده، خون آن موضع با آب او مخلوط گردد مجرّب است. هفت عدد از برگ اثلق مسهل قوی و مجرّب است.
  - جلوس بر روی آجر گرم جهت زحیر رطوبی بارده و ریحی مجرّب است. خصوصاً وقتی که روغن گل بر آن ریخته باشند و چون آجر آب دیده را بسیار تافته در آب یا در شراب اندازنده آب را به جوش آورده و سر را به بخار آن بداراند، معرق قوی در تحلیل مواد باردهی دماغی و نزلات مزمنه و درد سر کهنه بیعدیل و مجرّب است.
  - ضماد احریض با عسل جهت قوبا و با ماست بر مثانه جهت اختباس بول مجرّب است.
  - ده روز خوردن ارز با شیر تازه جهت تولید منی مجرّب است.
  - طلای اسفیداج الجصّاصین با آب جهت بادسرخ و اورام حارّه مجرّب است.
  - چون جوف عنصل را با سرکه کوییده در حمام بر بھق بمالند، بهقی که هیچ دوایی آن را زایل نکند، برطرف سازد و مجرّب است.
  - چون اسقیل را کوییده با سرکه حب‌ها بسازند و یک عدد آن را در میان انجير گذاشته یک روز در عسل رقیق خیسانیده بیرون آورند و انجير را بمکند و بعد از آن آب گرم بر اثر آن بنوشند یا آبی که در آن بوره جوشانیده باشند، بیاشامند رفع قولنج صعب نماید و مجرّب است. چون آس را با آمله یک

دارالمرز، لرستان، ماوراءالنهر، جرجان و قزوین و گویش‌های پهلوی، تبریزی، کرمانی و زابلی (۱-۲).

مؤلفِ کتاب، دانشمندِ حکیم، سید محمد مؤمن بن امیر محمد زمان حسینی دیلمی تنکابنی مازندرانی از اطباء بزرگ شیعی مذهب است (۳). اصل خانوادگی او از شهر دیلمان واقع در لاهیجان می‌باشد. خاندان و اجدادش از آن سرزمین به‌سمت اصفهان حرکت کرده و چون شهر اصفهان، پایتخت پادشاهان صفوی بوده است، در آنجا ساکن شدند (۱).

به نوشتهٔ خود مؤلف در دیباچه‌ی کتاب، اجدادش در دربار پادشاهان صفوی طبیب مخصوص بوده‌اند و از این‌جا معلوم می‌شود که او در شهر اصفهان متولد شده است. حکیم مؤمن علم طب را نزد پدر و سایر افراد خاندانش که همه از پزشکان بوده‌اند، تحصیل نمود و چنان در علم طب تجربه پیدا کرد که از اطباء حاذق و کاردان و پزشکان بصیر و دانای عصرش گردید و بر همکاران خود تعوق یافت. مرحوم محمد مؤمن تکابنی علاوه‌بر علم طب، در علم کلام هم تبحر داشته است. وی پزشک مخصوص شاه سلیمان صفوی بوده است.

پدرش علاوه بر این که از اطباء خوب بود، صاحب تألیف هم بوده است و نوشتۀ‌های او را فرزندش جمع‌آوری کرده است. جدّا حکیم مؤمن در دربار صفویه پیشک مقرب بوده است. فرزندان او هم به پیروی از اجداد خود، علم طب موروثی خاندان خود را هم چنان حفظ کردند و با بررسی کتب تراجم و تاریخ می‌توان آن‌ها را حستجحه کرد.<sup>(۳)</sup>

در مورد سال وفات و مدفن حکیم مؤمن باید گفت سال وفات و مدفن این مرد بزرگ هنوز به دست نیامده، زیرا توسط هیچ کس از موخرین ثبت نشده است (۳).

حکیم مؤمن برای نگارش کتاب "تحفه المؤمنین" براساس مقدمه‌ی چاپ‌های سنگی آن از ۲۴ کتاب و رساله استفاده کرده است، اماً مؤلف در متن کتاب جز نقل قول‌هایی که از منابع نامشخص ذکر کرده، بارها از حدود هشتاد مؤلف یا کتاب نام برده است (۱،۳). علاوه‌بر مطالبی که از کتب پیشین نقل قول شده است، مؤلف بهیان تجربیات و نوآوری‌های خود نیز پیرداخته است. مؤلف در قسمتی از مقدمه‌ی کتاب بیان نموده:

- چون آب بلح را با آب غوره بجوشانند تا غلیظ گردد و در چشم کشند، جهت قطع دمعه و جرب و سلاق مجرّب است.
- چند روز مداومت نمودن دو درهم تا چهار درهم بنفسج با آب سرد جهت رفع اسهال صفرایی لذاع مجرّب است.
- طبیخ تمر با حلبه جهت تب بلغمی و حصات مجرّب است. چون آب ریشه‌ی توت را که از شکافتن گرفته باشند، بقدر هفت اوقيه با برگ انجیر و برگ تاک بقدر يك اوقيه در ديگ کنند و سرپوش او را به خمیر گرفته بجوشانند تا به سدس رسد خضاب بغايت قوى و مجرّب است.
- سنون جرمیلک در يك دفعه و دو دفعه رافع تعفن بن دندان و رویاننده‌ی گوشت او و از مجرّبات است و در این امر چیزی به او نمی‌رسد.
- لعوق جمیز که برگ و شاخها و ثمر او را بجوشانیده، آب آن را با شکر به قوام آورده باشند، جهت ربو و ضيقالنفس و سرفه‌ی مزمن و گرفتگی آواز از مجرّبات است و يك متفاصل از برگ مسحوق او با آب قاطع اسهال و مجرّب است.
- طلای حجرالبقر جهت بهق و برص و بواسیر و امثال جراحات و با آب گشنبیز جهت حمره و نمله ساعیه و امثال آن و با شراب جهت رویاننده‌ی موی سیاه در موضع برص و داءالشعلب بعد از کندن موی سفید از مجرّبات است.
- خوردن حجرالبقر هر روز به قدر دو حبه با جلاب بعد از حمام بلا فاصله یا در حمام تا چند روز و از عقب آن گوشت آب مرغ فربه آشامیدن باعث تسمین بدن و از مجرّبات است.
- چون پانزده روز صاحب عرق النساء هر شب يك متفاصل و نیم از حرمل ناکوفته تناول نماید، رفع آن علت نماید و مجرّب است.
- ثمر خلاف جهت اسهال دموی مجرّب است.
- يك درهم ساییده بین خولنجان با يك اوقيه شیر گوسفند ناشتا بنوشند در تحریک باه مجرّب است.
- يك درهم از استخوان دانه خوخ، جهت اسهال مجرّب است.
- شرب آب مطبخ يك درهم دارشیشعان با شکر رافع درد معده بارده مأيوس العلاج و مجرّب است.
- پرده‌ی چینه‌دان دجاج که خشک باشد با شراب جهت رفع درد معده از مجرّبات است.

- هفته خیسانیده در روغن کنجد بالسویه بجوشانند تا روغن بماند، جهت رویاننده مو مجرّب است.
- حمول افستین با موم جهت حب القرع و ضماد او با آب جهت شری و بخار مطبخ او با شراب جهت درد گوش و طلای مطبخ او در ميفتحج جهت درد چشم و با عسل جهت رفع اثر بنفسی تحت پلک چشم و در سرکه جهت مفاصل حار و ساییده او با موم و روغن جهت درد نهی گاه و درد جگر و درد معده‌ی کهنه مجرّب است. اقط با پشم سوخته و جو سوخته بالسویه جهت حزار مجرّب است بدین ترتیب که اول سر را به روغن گل سرخ چرب کرده، بعد از آن طلا کنند.
- چون الیه را ورق کرده بر عضو بینندن تا دنبه متugen شود، جهت تشیح یسی و کراز و مواد متحجره، مجرّب است.
- تخم انجره جهت ربو و آلات تنفس و استسقاء و علل گرده و سپر ز و اخراج ماء اصفر و بلغم لرج مجرّب است.
- چون بادنجان را مهرآ پخته مضمحل شود و صاف نموده آب آن را با روغن زیتون بجوشانند تا آبها سوخته شود، در رفع ثالیل مجرّب است، خصوصاً شب از ثفل او بینندن و روز به آن روغن چرب کنند.
- هرگاه بادنجان زرد شده را خالی کرده و جوفش را به روغن تخم کدو پر کرده، قریب به يك روز در تنور گرم بگذارند و روغن را از او استخراج نمایند جهت رفع درد گوش مجرّب است.
- تخم بالنگو جهت اسهال دموی و معدی که از امعاء باشد با گلاب مجرّب است. دو درهم گل برنجاسف با عسل مخرج اقسام کرم معده و مجرّب است.
- چون سه متفاصل بسفایج را بجوشانیده با فلوس خیارشنبه و یا با ترنجین جهت ریاح و بواسیر و درد معده مزمنه و صرع مجرّب است.
- چون بستان افروز را کوییده در يك رطل شیر خیسانیده شب در مهتاب گذاشته، بنوشند و سه روز به دستور و زیاده بر آن مداومت کنند، جهت رفع حرقة البول و بول الدم مجرّب است.
- ضماد کوییده غیر مقوّر بطيخ بغايت جالی بشره و جهت کلف مجرّب است.

و به اضافه قرطمه جهت اخراج بلغم لزج و منع شری و تفتیح سدد و با عناب و انگیر و سپستان و پرسیاوشان جهت سعال و درد سینه مجرّب است.

- چون بیخ شوکران را با بزرالبنج از هر یک پنج درهم کوییده و با صد و پنجاه عدد مویز بزرگ دانه و صد و پنجاه مثقال آب بجوشانند تا آب بسوزد و مویز را خشک کرده و از ادویه جدا سازند، مسکر قوی و در استمساک منی مجرّب است.

- چون شیطرج را کوییده در کف دست مخالف دندان دردناک کرده، به دستور به طرف مخالف آن تا صباح بگذارند رافع ال آن و مجرّب است.

- صبر با استخوان پوسیده، بالسّویه رافع بواسیر و نواصیر و جهت آكله مجرّب است.

- طلای سرگین ضان جهت تحلیل اورام و استسقا و التیام زخم‌ها و با سرکه جهت شری و با موم روغن جهت ثالیل و لحم زاید که توته نامند و با سرکه جهت سوختگی آتش و دفع داخس مجرّب است.

- طبیخ بیخ طرفا با سرکه جهت سیربز و یرقان و رفع سدد و ورم صلب جگر مجرّب است.

- سه دفعه بخور برگ طرفا جهت ساقط کردن دانه بواسیر و ثالیل مجرّب است.

- روغن عقرب که زنده‌ی او را بعد از بیست و شش ماه در روغن زیتون که به ازای هر عدد ده مثقال باشد انداخته و چهل روز در آفتاب گذارند، جهت عرق النساء و فالج و بواسیر مجرّب است.

- چون علک البطم را ضماد کنند، جهت کجی ناخن و درد اعضاء و شقاق مزمن، خصوصاً با قدری شنجرف مجرّب است.

- شرب آب طبیخ برگ عناب هر روز نیم رطل با قدری شکر در عرض پنج روز رافع خارش بدن و مجرّب است.

- چون ترب را سوراخ‌ها کرده چهار درهم تخم شغلم را در آن جای داده، تقبه‌ها را با پاره‌های ترب مسدود نموده و خمیر بگیرند و در زیر آتش بپزند و با عسل تناول نمایند، در اخراج سنگ گرده و مثانه مجرّب است و باید سه روز به دستور سلوک نمایند.

- خشک کرده‌ی خون مرغ و خروس را سعوط نمودن جهت قطع رعاف مجرّب است. آب دفلی را با روغن زیتون به قدر نصف آن آب جوشانیده باشند که آب سوخته باشد، جهت قرطسه که مقدمه‌ی کچلی است و جهت جرب و حکه و رفع برص از مجرّبات است.

- چون سر انار شیرین را سوراخ کرده و به دفعات به قدری که گنجایش داشته باشد، روغن بادام شیرین در او ریخته و بر روی آتش گذارند تا روغن را جذب کند و به حلقی رسد که دیگر جذب نتواند کرد، مکیدن او جهت درد سینه و سرفه از مجرّبات است.

- طبیخ بیخ انار در دفع کرم معده از مجرّبات است.

- چون پوست انار ترش را با مازو بالسّویه ساییده و در سرکه بجوشانند تا مهراً شود و منعقد گردد و به قدر فلفلی جبها ترتیب داده، پانزده عدد و زیاده از آن جهت رفع اسهال مزمن و سحچ مخوف و قرحة امعاء و مقعد مجرّب است.

- کوییده‌ی کشممش با صبر جهت کچلی سر مجرّب است.

- طلای زباله با سرکه بر بدن جهت لاغر گردیدن و اذابه لحم از مجرّبات است.

- بخور بیخ زربناد، جهت گریزانیدن مورچه که دیگر عود ننماید مجرّب است.

- طلای زرنیخ سرخ با بول حمار و به دستور با آب بیخ سیر تازه بعد از کنندن موی جهت منع رویانیدن آن مجرّب است.

- زنجبل با خولنجان و پسته، جهت تقویت باه از اسرار مجرّبه است.

- برگ و گل سطاریون را چون کوییده ضماد نمایند، جهت گزیدن عقرب و زنبور و رتیلا و سایر هوام شرباً و ضماداً مجرّب است.

- طلای آب سفرجل که گرم کرده استعمال نمایند، جهت رفع تهیّج اطراف و سوءالقنيه مجرّب است.

- بربان کرده‌ی سفرجل در آتش به قدری که رنگش تیره شود جهت قطع اسهال مزمن مجرّب است.

- یک مثقال از مسحوق سنا با عسل که سه روز تا یک هفته هر روز بیاشامند، جهت مفاصل و امثال او مجرّب است.

- مطبخ شعیر با نصف او خشخاش کوییده، جهت صداع حارّ

قوت هاضمه و سایر قوت های طبیعی و حیوانی و نفسانی نماید و با قوت تریاقيت باشد و مفتح و مفرح و مدرّ و جالی و ملطف و منوم و مشهی و بالخاصیه مسکن عطش در جمیع امزجه است و به حرارت و یبوست شراب نیست و در رفع اکثر علل احساء بیعدیل و قوی التاثیر است و بر واقفان امزجه و خواص ادویه و قدرشناسان مقدار شربات اجزای او و حسن ترکیب و مستخرجان ارواح لطیفه عقاویر از اجسام کشیفه و دانایان مصلحات شریفه ترتیب آثار مذکوره آن مخفی نخواهد بود. سنجد و زردک هر یک دو من شاه بعد از طبخ بلیغ با دو من شکر و صندل سفید رنده کرده و گل سرخ و گل گاووزبان و بادرنججویه و رازیانه و دارچینی و کبابه و سعد که به ترکی طیلاق گویند و بهار نارنج و گل سنجد از هریک صد و پنجاه مثقال و برگ و پوست ترنج اگر نباشد، نارنجک شیرازی و الـ برگ و پوست نارنج سیصد مثقال و جوزبوا و مو که ریشه والا گویند، از هر یک هفتاد و پنج مثقال را نیم کوب کرده و اضافه نمایند. سوای برگ نارنج که روزی که عرق کشند، باید کوبیده و مخلوط نمود، مع علف هندی از چهل مثقال تا هفتاد مثقال و مجموع آب تا شش من باید با آنچه زردک را بجوشانند تا ترش و متعفن نشود. پس در خمی کرده هر روز مکرر بر هم زنند تا مانع جوشیدن او گردد و در هوای گرم تا هفت روز بگذارند و در هوای سرد تا ده یوم و هر چند کم آب تر باشد، قویتر می شود پس به دستور گلاب عرق بکشند و اگر عنبر بر دهن نیچه بینندن، بهتر است و روغن این عرق در غایت خوبی و عطریت مشاهده شده و چون بعد از عرق کشیدن ثفل آن را با یک من و نیم شکر مخلوط نموده و بعد از سه چهار یوم به اضافه پوست ترنج یا نارنج یا برگ نارنج یا نارنجک به قدر نیم من بار دیگر عرق بکشند، همان آثار بر آن مترتب است.

● معجونی مسمی به تریاقي المuded که حقیر ترکیب نموده و جهت تقویت المuded و جگر و احساء و تشنج و فالج و نسیان و لقوه و تقویت باه و رفع زهرها و حفظ حرارت غریزی و تحلیل ریاح و درد احساء و ضعف بدن بیعدیل است و در اول سیم گرم و موافق مبرودین و قدر شربتش از نیم درهم

- پوست سفید صلب فستق که طبخ مفترط داده باشد، جلوس در آب او جهت خروج مقدع مجرّب است.
- مضمضه‌ی فلفل که با پوست خشخاش جوشانیده باشد، جهت درد دندان مجرّب است.
- پوست خشک سوخته‌ی قرع در قطع نزف الدام جراحات و رفع آکله و زخم‌ها مجرّب است.
- جلوس در طبخ قطن جهت اختناق رحم و بخور او جهت زکام و سوخته‌ی او در قطع خون جراحات مجریست و چون فیتله از آن ساخته یک طرف آن را آتش زده، طرف دیگر بر ثالیل گذارند، بحدی که قریب به داغ رسد و سه روز تکرار کنند، در رفع ثالیل مجرّب است.
- چون نیم مثقال کرفس بستانی با نیم مثقال نانخواه و یک مثقال شکر تناول کنند، جهت تقویت المuded و رفع ریاح مجرّب است.
- پوست رز جهت قطع خون لنه مجرّب است.
- خوردن کرویا بقدر سه درهم با روغن زیتون که بهقدر یک اوچیه باشد تا یک هفته جهت اول استسقاء مجرّب است.
- چون نانخواه در آب لیمو بهقدرى که یک انگشت او را بپوشاند بخیسانند و خشک کنند و هفت بار تکرار نمایند، جهت اعاده اشتهاي مأيوسين مجرّب است. اهليچ اصفر در حقنه اسهال کرائى که با سده و نهايت و جع امعاء بوده باعث رفع علت می شود.
- چوب چینی در بروز فرمودن خصیه و رفع سمیت خلط و اختلاط ذهن مکرر حقیر تجربه نموده و علاج مأيوسين به او شده است.
- چون آب کاسنی تازه را جوشانیده و کف گرفته و با گلقدن و سکنجین بنوشند، جهت تب ربع که از احتراق صفرا باشد مجرّب است.

### ۳. نواوری‌ها و مجرّبات در قسمت مرکبات

- دستور گرفتن عرقی که مسمی به ماءالحیات است و از مختروعات حقیر است و در جمیع منافع بهتر از شراب است و مسکر نیست چه در ترکیب آن مراعات بلیغ شده که مانند شراب، تغذیه و تقویت باه و تقویت اعضای رئیسه و

- معجون عسل کف گرفته به قوام آورده بسرشنید.
- معجون مسهل: از تأليف حقیر جهت امراض حاره و مواد سوداوى بعد از نضج و قدر شربت تا پنج ل و جهت قولنج بسیار نافع است. صفت آن: سناء مکّی و گل بنفسه از هر یک سی ل، گل سرخ و بسفایح از هر یک پنج ل، مغز تخم کافشه بیست ل، نشاسته، محموده مشوی و رب سوس از هر یک پنج ل، هلیله‌ی سیاه و پوست هلیله‌ی کابلی و روغن بادام از هر یک بیست ل، عسل دو وزن ادویه با آبی که در آن سنا ده ل و گل سرخ و بنفسه و هلیله‌ی سیاه ده ل و هلیله‌ی کابلی بیست ل جوشانیده باشند به قوام آورده بسرشنید.
- معجون اذاراقی: تأليف حقیر و جهت قطع عادت افیون بغايت مجرّب است و در رفع استرخا و فالج و امراض بارده و درد مفاصل و عرق النساء و سلس البول بغايت نافع است. اذاراقی که کچوله نامند، در شیر خسیانیده و پوست را جدا کرده به سوهان ریزه کرده و بعد از آن نرم صلایه نمایند. گل گاوزبان ۳ ل، هیل ۲ ل و زربناد ۳ ل و عود هندی ۱ ل و اسطوخودوس ۳ ل و قرنفل ۱ ل و کتیرا ۳ ل و نارجیل ۳ ل و شقاقل ۳ ل و صندل سفید ۱ ل و آمله‌ی مقشر ۵ ل و هلیله‌ی سیاه ۵ ل و عسل سه وزن ادویه از یک ل تا دو ل مداومت نمایند.
- فلونیای مجرّب: فریب الأعتدال و موافق امزجه حاره و بارده که حقیر ترتیب داده است و مسمی به حافظ الأرواح نموده. بزرالبیج، فلفل سفید، افیون، زعفران، گشینیز خشک، صندل سفید، دارچینی، طباشیر، سنبل الطیب، گل سرخ، خشخاش، جلغوزه، نارجیل، زربناد، درونج، گل گاوزبان، بسباسه، عود قماری، ساذج هندی، حب بلسان، عود بلسان، سعد، زربن، قسط بحری، جوزبوا، لسان العصافیر، آمله به شیر پروردہ، دارفالفل، سلیخه، اسارون، فوفل، زنجیل، رازیانه، انیسون، قرنفل، فرفیون، پوست ترنج، پوست پسته، ورق نقره، مشک، بهمن سرخ و سفید، وج، تخم بادرنجبویه، بوزیدان، عسل سه وزن ادویه و جهت بعضی این ادویه اضافه شده: کهربا، یاقوت، مروارید، لعل، بسد، عقیق، ورق طلا، عنبر اشهب.
- معجون راح المؤمنین: که تأليف حقیر است و معتدل مایل

تا یک مثقال است: قسط تلخ، سنبل الطیب، مصطکی، سلیخه، حب، زنجیل، قرنفل، بسباسه، کتیرا مکد ۲ ل، زراوند طویل، فلفل سیاه، بزر کرفس، انیسون، نانخواه، زیره‌ی کرمانی، فطراسالیون، اسارون، کبریت زرد، انجدان، پودنه، نعناع، بزرالانجره و کندر مکد ۴ ل، دوقو، فقادح اذخر، مرّصف، افیون مکد ۳ ل، عود هندی، فلفل سفید مکد ۵ ل، زعفران یک ل و نیم و مشک، فرفیون مکد یک مثقال با دو وزن ادویه‌ی عسل کف گرفته بسرشنید.

- معجون حافظ الأجسام که تأليف حقیر است و جهت انواع سدد ماساریقا و جگر و ضعف و برودت جگر و امراض معده و سوء القنيه نافع است و این معجون را خواص کثیره و منافع جلیله است و مثل این در این باب‌ها دیده نشده. دارچینی و اصل‌الکبر از هر یک پنج مثقال، زعفران دوازده ل، فو، موّاز هر یک چهار ل، سنبل الطیب شش ل، انیسون چهار ل، دوقو چهار ل، رب السوس و عصاره غافت و جعده از هر یک سه ل و مرّصف چهار ل، روغن بلسان چهار ل و اگر یافت نشود بجای او زیست کهنه کنند و با عسل بسرشنید و قدر شربت یک مثقال نافع است، باذن الله تعالی.

- اطريفل زمانی: تأليف حقیر که مسمی به اسم والد خود ساخته و مسهل صفرا و بلغم و سودا و منقی دماغ و معده و مداومت آن جهت قطع نزلات مجرّب و مانع صعود بخارات به دماغ است و چون بعد از اغذيه تناول نمایند، مضرّت نمی‌رساند و جهت اقسام مالیخولیا خصوصاً مراقی و قولنج رحم بغايت نافع و قوّش تا دو سال باقی است و قدر شربتش جهت اسهال اخلاط از چهار ل تا شش ل و چون مداومت نمایند، هر روز از یک ل تا دو ل موافق جميع امزجه است. صفت آن: هلیله زرد و کابلی و سیاه و گل بنفسه و محموده مشوی از هر یک ده ل، تربید سفید خراشیده و به روغن بادام چرب کرده و گشینیز خشک از هر یک بیست ل، پوست بله، آمله مقشر، گل سرخ، طباشیر و گل نیلوفر از هر یک پنج مثقال، صندل سفید، کثیرا از هر یک ۳ ل، روغن بادام شیرین سی ل، ادویه را کوفته و بیخته، عناب صد عدد و سپستان ۱۰۰ عدد و گل بنفسه ده ل را جوشانیده و صاف نموده و با یک وزن و نیم شیره‌ی هلیله و

• مفرّح زمردی بارد: از اختلالات حقیر و جهت امزجه حارّ و منع بخار سوداوى و تعديل مزاج جگر و اعضای رئیسه و نزلات حارّ بغايت نافع است. صفت آن: آمله که به گلاب پرورده باشند، خشخاش سفید، تخم خرفه و گشنیز خشک مکد بیست ل، مغز تخم هندوانه، تخم خیار، مغز تخم کدو، گل مختوم یا داغستانی، ابریشم مقرّض محرق، بهمنین، پوست نارنج، گل گاو زبان، فاذ زهر معدنی، طباشیر مکد ۵ ل، عصاره‌ی زرشک و تخم کاهو مقشر، نشاسته، گل سرخ، کنجد و نیلوفر کبود ده ل، زمرد و ورق نقره از هر یک دو ل، مشک و کافور مکد نیم ل، عنبر اشهب یک ل با شیره ترنجیین و شیرخشت و شربت سیب و امثال آن ۴۰۰ ل بسرشنده در بعضی امزجه مروارید و کهربا و مرجان مکد ۴ ل و ورق طلا و عنبر دول اضافه نموده‌اند.

• حب المقل: از مجریات والد مرحوم حقیر و جهت صاحب بواسیر که از اعتقال طبیعت آزار داشته باشد مجرّب است. آمله مقشر، پوست هلیله‌ی زرد و سیاه و پوست هلیله‌ی کابلی و پوست بلیله و تخم گندنا از هر کدام ۵ جزو، مقل ازرق ۴ جزو. مقل را نیم کوب کرده در آب گندنای ناشسته بخیسانند و روز دیگر در هاون بکوبند که به طریق مرهم شود و ادویه را در آن بسرشنده و حتی به مقدار نخودی سازند و هر روز در خلاء معده نه عدد تا پانزده عدد فرو برند و از چیزهای سوداوى اجتناب نمایند.

• حب الفالج: از تأییف‌های والد مرحوم و جهت کسی که در جانب راست او فالج به هم رسیده باشد و قادر بر تکلم نباشد و زبانش ثقل به هم رسانیده باشد مجرّب است. تربید ابيض ۶ ل، سورنجان ۳ ل، حب النیل ۳ ل، ایارج فیقرا ۴ ل، شحم حنظل ۲ ل، شیطرج، بوزیدان، وج، عاقرقرا، دارفلفل از هر یک ۱/۵ ل، سکبینج، جاوشیر، مقل ازرق از هر یک ۴ دانگ، فربیون و جند بیدستر از هر یک نیم ل. ادویه را کوفته و به حریر بیخته و صموغ را در آب گندنا حل کرده و با او ادویه را بسرشنده و حب‌ها سازند و قدر شربت ۳ م با آب گرم.

• حب لاجورد: جهت اسهال صفر او غلیظ و سودا و بلغم از مخترات حقیر است. لاجورد غیر مغسول ۲ ل، مصطکی ۲

به رطوبت جهت تقویت باه و اشتهاي طعام و تفریح مفید و نفع می‌کند جهت سعال و نزله و سوءالنفس و خفقان و غیره و اصلاً او را مضرّتی نیست و به تجربه رسیده. لسان التّور و خصیه التّلّعب از هر یک ۵ ل، شقاله ۲۰ ل، تخم جزر ۱۰ ل، نارجیل، دارچینی و حب صنوبر کبار از هر یک ۱ ل، جوزبوا و کتیرا و اصل السّوسن الاسمانجونی از هر کدام چهار ل، ادویه را کوفته پنجاه ل پوست خشخاش را جوشانیده صاف کرده و بیست و پنج مثقال شیره‌ی تخمش را در او گرفته و ثفلش را بیاندازند. پس با عسل ۲۲۰ ل و آب سیب شیرین ۱۰۰ ل و آب زردک صد و پنجاه ل به قوام آورند پس با ادویه سرشه و نیم ل مشک بر او بپاشند و اگر خواهند بدل خشخاش اصل شوکران که بین تفتی گویند یا بین شیبی و برگک شیرازی و امثال او بقدر لائق اضافه نمایند.

• معجون سرور: از تأییف حقیر و مبهّی و مشهّی و هاضم و با نشاط و مقوی احسانه و مفرّح و جهت سرفه و آلات تنفس نافع. در اوایل دویم گرم و مایل به رطوبت و موافق اکثر امزجه است. صفت آن: جوزبوا و بنفسه از هر یک ۶ ل با هم باید کویید و با ۲ ل روغن بادام ۲ ل زنجیبل را کوییده چرب نمایند و دارچینی، اسارون و لسان العصافیر از هر یک ۲ ل و عود قماری، قرنفل، خولنجان، بهمن سرخ و سفید، ایسیون از هر یک ۱ ل، خصیه التّلّعب ۲۲ ل، شقاله ۲۵ ل و اگر مرتبا باشد بهتر است، کثیرا و نعناع خشک از هر یک ۲ ل با عسل کف گرفته ۷۵ ل و دوشاب زردک ۷۵ ل و اگر دوشاب زردک نباشد عسل را صد و ده ل باید کرد.

• مفرّح بارد: که مسمی به مفرّح سیب است از تأییف حقیر و جهت سدر و دور و منع بخار بغايت مجرّب است. صفت آن: گل سرخ ده ل، زرشک بیدانه، فوفل، صندل سفید، طباشیر، گل ارمنی، بادرنجبویه، پوست پسته، پوست ترنج مکد از هر یک سه ل، گشنیز خشک، تخم خرفه، گل گاو زبان، آمله مقشر مکد از هر یک ۵ ل با ۱۰۰ ل شربت سیب بسرشنده، شربتی ۲ ل و طلای محلول و نقره‌ی محلول و فاذ زهر معدنی مکد ۱ ل و عنبر اشهب نیم ل در بعضی مزاج اضافه می‌شود.

است و بهترین نسخه‌ها و معمول حقیر و جهت تب‌های حاره و حصبه و آبله و تب دق و حرقه‌البول و تشنجی و تسکین التهاب اخلاط محترقه و سعال و ذات‌الجنب مفید است. گل سرخ ۳ ل، طباشیر، نشاسته، تخم خرفه از هر یک ۵ ل، مغز تخم کدو، تخم هندوانه، تخم خیار، تخم گشنیز از هر یک ۳ ل، گل بنفسه ۱۰ ل، صندل سفید، کتیرا از هر یک ۲ ل، ترنجین ۱۰ ل، رب سوس ۲ ل، فوفل و زعفران از هر یک ۱ ل با شیره‌ی جو قرص سازند و از ۱ ل تا ۲ ل بنوشند.

- قرص شادنج: از مختروعات حقیر جهت تب دق و سل و قطع سیلان خون هر عضو باطنی و اسهال مراری و ذوبان و تب‌های دموی و سرفه حار مجرّب است. گل سرخ، تخم خرفه، گشنیز خشک، خشخاش سفید، نشاسته، طباشیر، طین ارمی مغسول، طین رومی و طین شیرازی هر یک ۵ ل، سلطان سوخته ۱۰ ل، کتیرا، رب سوس، صبح عربی، شادنج مغسول، انجبار و شاخ گاو کوهی سوخته از هر یک سه ل، بزرالبنج، افون و زعفران از هر یک ۱ ل با لعاب بزرقطونا قرص کنند و قدر شربتیش ۱ ل.

- قرص مسهل: تأليف حقیر و در امراض حاره و تب‌های گرم و مرکب و رفع قولنج ثقلی به‌غايت نافع و سريع العمل و بی‌غاiele و بهترین اقسام قرص‌های مسنه است. بنفسه ۵ ل، مغز تخم کدو، تخم خیار، نیلوفر، مغز تخم هندوانه از هر یک ۳ ل، تخم خرفه، گل سرخ، طباشیر، کتیرا از هر یک ۲ ل، گشنیز خشک، مصطکی و انسیون از هر کدام یک مثقال، حب الملوک نه عدد پاک کرده مشوی به طریق حکمای هند که در دستورات مذکور است با لعاب بزرقطونا قرص ساخته و از نیم ل تا یک ل با شیرها و آب‌های مناسب استعمال نمایند و اگر حب الملوک را با کتیرا و انسیون و مصطکی ساییده دو سه روز در آب لیمو بخیسانند بهتر از تشویه او است.

- قرص مروارید: تأليف حقیر و جهت تب دائمی و بواسیر و دق و اسهال نافع است و بغايت مجرّب است. طباشیر، گل سرخ از هر یک ۶ ل، گل ارمی ۴ ل، مغز تخم کدو، مغز تخم خیار از هر یک ۳ ل، صندل سفید ۱ ل، تخم خرفه ۳

ل، گل سرخ نیم ل، پوست هلیله‌ی زرد نیم ل، بسفایج ۱ ل، پوست هلیله‌ی کابلی ۲ ل، غاریقون سفید ۲ ل، تربید محکوک ۲ ل، صبر زرد ۴ ل و اسطوخودوس ۱ ل، عود قماری، سناء مکّی، گل بنفسه، افتیمون از هر یک ۲ ل و کتیرا نیم ل با آب سبب حب ساخته از ۲ ل تا ۳ ل.

- حب نشاط: جهت سرفه‌ی حار و نزلات و سل و قوت هاضمه و نشاط و باه محرومین و منع اسهال و تعديل مزاج سوداوی نافع و از تأليفات حقیر است. کتیرا ۵ ل، افیون ۷ ل، صبح عربی، رب السوس، نشاسته از هر یک ۵ ل، حب محلب، مروارید، کهریا، یاقوت از هر یک ۱ ل با لعاب بهدانه حب سازند و مشک یک دانگ گاهی اضافه می‌شود.

- حب عطای: جهت سرفه‌ی رطوبی و ضيق‌النفس به‌غايت نافع و مجرّب است و از تأليف جد حقیر میر عطاء‌الله (ره). علک‌البطم ۱ ل، میعه سایله، کندر، مرّصف از هر یک ۳ ل، زراوند مدرج، افیون از هر یک ۱ ل حب ساخته از یک دانگ تا نیم مثقال تناول نمایند و با اشربه موافقه سريع‌الاثر است.

- حب عنبر: مختروع حقیر جهت نعطظ مجرّب است و بعد از شش ساعت نعطظ می‌آورد تا دوازده ساعت و چون با آب سرد خود را بشویند نعطظ برطرف می‌شود و چون در دهان نگاه دارند در عرض یک شبانه روز آب نمی‌شود و دهان را بسیار معطر می‌سازد و بسیار خوشمزه است و جمعی کثیر از اطباء جهت نواب خاقان خلد آشیان صاحبقرانی به جهت این امر حب‌ها ترتیب نموده هر یک بی‌علتی نبوده، بعضی زود آب می‌شد و بعضی با اندک وقتی نرم می‌شد و بعضی بدمزه بود و این حب بغايت مستحسن طبع شده و فی الواقع بتعديل است. از پنیرمايهی شتر اعرابی ۲ ل، عنبر اشهب ۲ ل، مشک ۱ ل، خصیه- الشعلب ۲ ل، خولنجان ۲ ل، مصطکی ۱ ل و قرنفل ۱ ل به‌قدر مغز فندقی حب سازند و روزی یک عدد تناول نمایند و از عقب او شراب یا شیر تازه یا آب تره تیزک یا آب نخود خیسانیده بنوشند و از این حب تا نیم مثقال می‌توان خورد و مروطوب المزاج زیاده میل می‌توان نمود.

- قرص طباشیر ملین: تأليف مرحوم میر عطاء‌الله جد حقیر

- ایام شرب این سفوف از آب اجتناب نمایند.
- سفوف: تألیف حقیر جهت تب دق و سل و سرفه که با تب باشد و جهت لینت طبع و منع نزلات حاره مجرّب است و قدر شربتش ۲ ل تا ۳ ل. باقی ۷ م، کنیرا و نشاسته ۴ م، صمغ عربی ۴ م، تخم خطمی ۲ م، مفر تخم کدو ۴ م، مفر تخم هندوانه ۴ م، رب سوس ۴ م، خشخاش سفید ۱۰ م، مفر دانه‌ی به ۴ م، مفر بادام ۲ م و طباشیر ۴ م، مفر تخم خیار ۴ م، سرطان محرق ۱۰ م، عصاره‌ی لحیه التیس ۴ م، گلنار ۲ م، اقاقيا ۲ م و گل ارمنی ۴ م.
- سفوف نانخواه: از مجرّبات حقیر جهت ریاح و درد معده و سپریز و تقویت هاضمه و رفع و خز و نحس بخارات بغايت نافع است. نانخواه و تخم کرفس بالسویه با مثل او قند سفوف کنند.
- سکنجین انجدانی: تألیف حقیر است و در رفع تب مجرّب و جهت امراض سپریز بیعديل است. انجدان ۲۰ را نیم کوب کرده و شب در سرکه ۹۰ و آب ۹۰ خیسانیده و روز دیگر بجوشانند تا به نصف رسد، بعد از آن صاف نموده با دوشاب انگوری ۱۲۰ ل به قوام آورند و هر روز ده ل را با آب شاهتره یا شیره‌ی تخم کرفس و اگر حرارت غالب باشد با کاسنی و امثال او استعمال نمایند.
- شربت عنصل: نوعی دیگر که مختار حقیر است و جهت سرفه کهنه و ضيقالنفس و مواد سوداوي و بلغمي و سده احساء و تقویت معده و دماغ نافع و مکرر به تجربه رسیده و مجرّب است. پیاز عنصل، زوفای خشک، اصل-السوس، گاو زبان، پرسیاوشان، اسطوخودوس و غاریقون سفید هر یک ۱۵ ل، نعناع خشک، رازیانه، بیخ سوسن کبود و قردمانا از هر یک ۳ ل، درصد و پنجاه ل سرکه و چهارصد و پنجاه ل آب دو تا سه شبانه روز خیسانده بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده با ۳۰۰ ل شکر به قوام آورند و هر روز از ۵ ل تا ۱۰ ل با آب مطبخ پرسیاوشان و امثال آن بنوشند.
- شربت جعده: اختراع حقیر و جهت ادرار حیض فرمودن و بول و جهت رفع عفونت اخلاط و ریاح و تفتح سدد مجرّب است. مشکطر امشیع، جعده، حرمل، قسطل تلخ، ریوند

- ل، مروارید، کهریا، عصاره‌ی لحیه التیس، تخم بارتندگ از هر یک ۲ ل با رب مورد سرشته قرص سازند و ۱/۵ ل با شربت خشخاش و در بعضی مزاج با شیر الاغ باید داد و در بعضی مواد سرطان محرق ۳ ل، اضافه باید نمود و به جهت تب دق کافور و زعفران اضافه کنند.
- قرص قابض: تألیف حقیر و جهت اسهال دموی و صفراء و قطع خون از هر موضعی و سرفه رطوبی و سحج و بواسیر بغايت مجرّب است. طباشیر، نشاسته، صمغ عربی، گلنار، گل سرخ، کنیرا از هر یک ۵ ل، زعفران، افیون از هر یک ۱ ل، تخم مورد، انجبار از هر یک ۳ ل، شاخ گاو کوهی سوخته ۵ ل، گل ارمنی، خربنوب نبطی، آرد کنار از هر یک ۳ ل و مازو، تخم حمامض، دم الأحoin از هر یک ۲ ل با آب بارتندگ قرص سازند و ۱ ل را در هر مرضی با ادویه موافق آن مرض بدهنند.
- قرص طحال: تألیف ابوی (ره) و جهت ورم و درد سپریز که با تب باشد مجرّب است. گل سرخ ۶ ل، زرشک ۳ ل، تخم خیارین ۲ ل، تخم خرفه ۲ ل، ریوند ۱ ل، طباشیر ۱ ل، لک مفسول ۱ ل، عصاره‌ی غافت نیم ل، کافور ۱ ل، عصاره‌ی افستین، زعفران، ثمره الطّرفه، ایرسا از هر یک ۱ ل و سنبلا-الطیب یک ل با سکنجین و آب کاسنی یا آب بید معصور یا آب شاهتره بنوشند.
- سفوف: جهت اسهال مراری مزمنه و بواسیری و نواسیری حاره بهغايت مجرّب است و تألیف حقیر. گل ارمنی، ناردان بوداده، دانه‌ی انگور که از سرکه بیرون آورده باشند و بو داده از هر یک ۵ ل، سماق بیدانه، گل سرخ، صمغ عربی بو داده از هر یک ۳ ل، طباشیر، گل مختوم یا داغستانی از هر یک ۲ ل، مصطکی و عود قماری از هر کدام یک ل و قدر شربت ۲ ل با ربوه مناسبه.
- سفوف: از تألیفات حقیر. جهت حرقه بول مزمن که با چرك باشد و با او تقطیرالبول و سلس البول نیز باشد نافع است و جهت درور منی و در امراض مذکوره چند مرتبه تجربه شده و بسیار مؤثر افتاده است. بلوط بو داده ۱۰ ل، گل ارمنی، گشنیز خشک، صمغ عربی، تخم حمامض بو داده و کندر ذکر هر یک ۲ ل و بقدر ۲ ل با آب سرد استعمال نمایند و در

- استعمال نمایند.
- سنون: تأليف حقير و موافق اکثر امزجه است و در تسکین آلام و رفع خون و رویانیدن گوشت و منع ریختن مواد آزموده است. سعد، طباشیر، گل سرخ، تخم مورد، گلنار، فوفل، کات هندی، کرمازج و افاقیا از هر یک جزوی و سماق سه جزو.
  - شیاف نارنج: از مختبرات حقیر است و جهت منع نزلات و حرمت و جرب و حفظ صحّت چشم و سبل و دمعه و رمد مزمن و چسبیدن پلک و امراض حاره مجرّب است. توییای به آب نارنج پروده ۱۰ جزو، کتیرا، نشاسته، انزروت، گل سرخ، صبر زرد، حضض مکّی از هر کدام یک جزو، سفیداب قلعی و هلیله‌ی زرد دانه‌دار ۲ جزو و افیون ربع جزو.
  - ذرور اقلیمیا: جهت بیاض و جلای بصر از تأليفات حقیر. زیدالبحر، بوره ارمنی، سرگین خطاف، مامیران، ساذج، نوشادر و شبّ یمانی از هر یک ۲ م، صدف سوخته، بسد سوخته، روی سوخته و اقلیمیا طلا مکد ۱ ل، پوست تخم مرغ ۳ ل، انزروت، صبر زرد و دارفلفل مکد یک م و نیم با عسل شهد جهت بیاض استعمال نمایند و در سایر امراض با ادویه مناسبه.
  - دهن النجاح: از تأليفات حقیر و جهت ریاح و اختلاج و تشنج و فالج و امراض باردهی عصبانی و تقویت اعصاب و تفتحیج مجاري ضيقه و اوچاع بارده و تحلیل مواد غلیظه مجرّب است. حسن لبان، مقل و میعه سایله مکد ۱۰ م، اشق، فریفون، حبّ بلسان، خربق سفید، زرنب، کبابه، شیطرج و ماهیزه‌رج و قرنفل مکد ۶ ل، جوزبوا، زنجیل، خولنجان، دارچینی و بلادر مکد ۵ ل، کندر، سیسالیوس، تخم گندنا، شونیز، تخم تره تیزک، نانخواه، قسط تلخ و تخم شبت مکد ۴ ل، سعد، مرزنجوش، حلبه، اسپند، مغز دانه‌ی کرچک، مغز بن اشنه و حبّ الغار مکد ۹ ل، یک هفتة در هزار ل عرق بهار و امثال او بخیسانند و بجوشانند تا به نصف رسد و صاف نموده و با صد و پنجاه ل روغن زیتون و پنجاه ل روغن بید انجیر بجوشانند تا روغن بماند و سکینچ، جاوشیر، مومنیابی، میعه سایله، قنه و علک البطم مکد ۳ ل در چینی، تخم کشوت، تخم خربزه و تخم خیار مکد ۳ ل، ابهل، تخم کرفس، رازیانه، روناس، انسیون، تخم کاسنی، قنطریون رقيق مکد ۲ ل، مویز بیدانه و انجیر زرد مکد ۱۰ ل را در یک من تبریز آب خیسانیده بجوشانند تا به ربع رسد و با صد و پنجاه مثقال شکر به قوام آورند و هر روز ده ل آن را با آب مدرّات حیض و بول بنوشند و هرگاه طبع یس باشد با گل سرخ و محموده مشوی و غاریقون بیاشامند.
  - شربت دیگر از مجرّبات حقیر جهت ضعف معده و جگر که با یبوست طبع و حرارت مزاج باشد بهغايت نافع است. افستین ۲ ل، گل سرخ ۴ ل، تمر هندی ۱۰ ل و ترنجین ۳۰ ل جوشانیده و صاف نموده و بنوشند و مجموع یک شربت است.
  - شربت مسهّل: تأليف حقیر و جهت امراض بارده و ضعف معده و دماغ و تفتحیج سدد و امراض سوداوی بهغايت نافع است و بهترین مسهّلات است. گل سرخ و سناء مکّی از هر کدام ۱۰ ل، بنفسه ۲۰ ل، تربید سفید، غاریقون و افستین رومی از هر یک ۵ ل، تخم کشوت، اسطوخودوس و مصطکی از هر یک ۳ ل، سنبل الطیب ۲ ل، عناب و سپستان از هر یک سی عدد، در ۴۰۰ ل آب یک روز خیسانیده بجوشانند تا به ربع رسد و با صد و پنجاه ل ترنجین و شکر بالمناصفه به قوام آورده و ۵ ل تا ۱۰ ل استعمال نمایند.
  - نسخه دیگر که مجرّب حقیر است: اناردان ترش، مویز دانه-دار و بالسویه زیرمه کرمانی ده یک او بسیار نرم کوییده تا سه ل بنوشند.
  - سنون: از مجرّبات والد حقیر و جهت رفع درد دندان بهغايت آزموده است. هوچوبه، زردچوبه، تخم ریحان، سریش، پوست بیخ درخت زرشک، کتیرا، بادام مقشر و صمع عربی از هر یک دانگی و فوفل پنج عدد بسیار نرم ساییده و استعمال نمایند.
  - سنون دیگر: تأليف والد حقیر که جهت رویانیدن گوشت بن دندان و رفع بدبویی دهان بهغايت نافع است. دم الأحoin، کرمازج، انزروت، جوزالسرو، کندر، بیخ نی سوخته، طباشیر، افاقیا، گل سرخ، گلنار، جفت البلوط و پوست انار ترش از هر یک جزوی و قصب الذریره نصف جزو وقت خواب

الملک، قرنفل، ایرسا و روغن زیتون کهنه از هر کدام یک اوچیه، لادن ۲ ل، زعفران نصف اوچیه، علک البطم و موم از هر یک ۳۰ ل و روغن ناردين مثل جمیع.

- ذرور اعظم: جهت آكله و قروح ساعیه دهان و گلو و قضیب و سایر اعضاء مجرّب و از تأثیف حقیر و عدیل ندارد و از جمله اسرار است و در قطع خون جراحات و رویانیدن گوشت و منع ورم قروح و انصباب مواد آزموده است. موی سوخته، گلنار، شاخ گاو کوهی سوخته و اگر نباشد استخوان سوخته، برگ عناب، گل ارمی از هر یک ۲ جزو، کندر، سفیداب قلعی و تویای کرمانی شسته از هر کدام یک جزو را از حریر گذرانیده استعمال نمایند و هرگاه در غیر گلو و دهان استعمال کنند، صبر زرد یک جزو، مردانسگ به آتش مکرر سرخ کرده و در سرکه انداخته و مغسول نموده دو جزو اضافه کنند و هرگاه خواهند که فتیله‌ای ساخته در سوزنک استعمال نمایند، قدر دو دانگ افیون مخلوط کرده با سفیدی تخم مرغ سرشته و فتیله سازند و در مجرای بول بگذارند و به غایت مسکن درد و در رفع سوزنک نظر ندارد.
- ضماد قوبایا: از مجربات والد حقیر و جهت قوبا و سعفه یابسه و جرب آزموده است. گوگرد ۱۰ ل، صمغ عربی ۵ ل، دنبه تازه ۵ ل در حمام و بعد از حمام به دو ساعت ضماد نمایند.
- ضماد جهت شفاق: ایضاً از مجربات والد مرحوم جهت شفاق آزموده است. زاج و صبر سیاه بالسویه با نفط سیاه بمالند و دست را نزدیک آتش بدارند.
- ضماد مسکن الوجاع: در تسکین درد مفاصل حاره و بارده مجرّب حقیر است. حلبه را با آب و سرکه بالسویه طبخ نمایند تا مهرّا شود و عسل به وزن حلبه اضافه کرده و بجوشانند تا غالیظ گردد و نیم گرم طلا کنند.
- ضماد: جهت کراز بارده و دردهایی که به جهت باد بواسیر که در اعضاء به هم می‌رسد و از تأثیفات حقیر و به غایت آزموده است. فلفل ۲ ل، قاقله ۲ ل، نوشادر ۳ ل، حلبه ۵ ل، زنجیبل و سورنجان ۱ ل را با روغن گردکان ۲۰ ل و موم زرد ۵ ل ضماد نمایند.
- ضماد بهق و برص: از مجربات حقیر است و از جمله اسرار و در رفع برص حیوانات که الا گویند تخلف نمی‌کند و در

آن حل کنند و سنبل الطیب، مرّاصاف، زعفران، قصب الذریره و قرنفل مکد ۳ ل، دارچینی ۵ م، جند، فلفل، فرفیون و دارفلفل مکد ۲ م از حریر گذرانیده و اضافه نمایند.

- دهن محلل: تأثیف والد حقیر میرمحمد زمان تنکابنی جهت تقویت بینظیر و در تحلیل ریاح معده و جگر بیعدیل است. مقل ازرق ۳ ل، سنبل الطیب، مصطفکی، علک البطم مکد مثله، اشق، اسارون، قصب الذریره و اذخر مکد ۲ ل با روغن بابونه و روغن گل سرخ بالسویه از هر یک نیم رطل مخلوط نموده و در آفتاب بگذارند و هر روز برهم زنند تا ده روز و آلا در خاکستر گرم بگذارند.
- روغن مانع ریختن موی از علت آتشک: مجرّب حقیر است و به جهت داء الشعلب به غایت مفید است و چون موی سفید از موضع داء الشعلب برآید استعمال این روغن موی سیاه می‌رویاند. برگ مورد ۱۵ ل و وسمه ۳۰ ل را در چهارصد ل آب بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده با ۱۲۰ ل روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند و ۶ ل لادن در او حل کنند.
- مرهم رمانی: که از تأثیف والد حقیر میرمحمد زمان تنکابنی (ره) و جهت جراحات مزمنه به غایت مجرّب است و در تأثیر کمتر از مرهم رال نیست و به اعتدال اقرب است. انزروت، کاغذ کبود سوخته، پوست درخت کاج، روناس و کات هندی از هر یک ۲، سفیداب مغسول ۵، مردانسگ مغسول ۲، کافور قیصوری ۱ با موم سفید ۵ و روغن گل سرخ ۲۰ مرهم سازند.
- مرهم شفاق: مجرّب حقیر است و به غایت مؤثر است. علک-البطم یک جزو، پیه بز چهار جزو را در قدر مضاعف گذاخته و استعمال نمایند و در کجی ناخن و تقشر او و شفاق لب و اطراف و حگه و جرب و زخم آتشک و شفاق چهارپایان آزموده است.
- مرهم جذام: از مجربات والد حقیر است و در سایر قروح سوداوى و اورام بارده آزموده است. سنبل الطیب، حماما، قردمانا، دارفلفل، کبابه، سلیخه، قسطل تلخ، عاقرقرا، مصطفکی، مقل، مرّاصاف، حب بلسان، اشق، صبر زرد، میعه سایله، سیسالیوس، زراوند طویل و مدرج، سعد، اکلیل-

سوراخ‌های نواصیر گذارند و در باب ذرورات آکله نیز اشاره به این نسخه شده است و از اسرار می‌تواند بود. صبر زرد ۱ ل، توتیای مغسول ۲ ل، سفیداب قلعی مغسول ۲ ل، مردانسگ مغسول ۲ ل، گلنار ۱ ل، گل ارمنی ۲ ل، موی سوخته ۱ ل، کندر ۱ ل، افیون نیم ل، کدوی سوخته ۱ ل اجزا را نرم ساییده و از حریر گذرانیده با آب کتیرا سرشته و فتیله‌های باریک ساخته و در سوراخ قضیب گذارند.

- تریاق التزله: از مخترعات حقیر در منع ریختن مواد نزله و رفع سرفه مجرّبست. تخم کاهو ۲۰ ل، بذرالبنج، پوست خشخاش مکد ۳۰ ل، خشخاش سفید ۴۰ ل، گل گاویزان، تخم مورد، گشنیز خشک مکد ۱۰ ل، اسطوخودوس ۵ ل خیسانیده و بجوشانند و با مثلث ۴۵۰ ل و نبات ۳۰۰ ل به قوام آورده این ادویه را اضافه نمایند: گل سرخ، گشنیز خشک، رب سوس، نشاسته، صمع عربی، کتیرا، مرّاصاف مکد ۵ ل، بسیار نرم باید سایید. قدر شربت ۳ متقابل است.
- مرهم مردانسگ: جهت قروح خیشه و شقاق پستان حقیر ترکیب نموده و بسیار نافع است. روغن گل سرخ را با دو مثل آن سرکه‌ی کهنه بجوشانند تا سرکه تحلیل رفته روغن بماند. آن‌گاه موم پاک نصف وزن روغن و دو وزن موم مردانسگ داخل نموده از سر آتش بردارند و استعمال نمایند.
- مرهم جهت درد زخم‌های تازه: ترکیب حقیر جهت و جع زخم‌های تازه قدری موم پاک و روغن کنجد بر بالای آتش حل نموده قلیلی افیون اضافه نموده و از سر آتش بردارند و بر حوالی زخم بدارند.
- ذرور جهت آکله: جهت آکله و قروح ساعیه و بواسیرالأنف و نواصیر مجرّب حقیر است. استخوان رمیم با سوخته‌ی صبر زرد بالسویه ذرور کنند و همچنین برگ عناب خشک را ذرور نمایند به جهت آکله بیعديل است.
- ضماد: مجرّب حقیر جهت تسکین ضربان مفاصل و درد سر ضربانی. مغز استخوان پاچه ۱۰ ل، روغن گلسربخ ۵ ل، فرفیون یک ل، زعفران ۳ ل.

رویانیدن موی داءالتلعب و داءالحیه سریع الأثر است و بهغايت حار و سریع النفوذ و زیاده از نیم ساعت نباید گذاشت و بعد از شستن او صندلین به جهت رفع ح ذات و سوزش آن طلا کنند و بر اعضای رئیسه طلای او جایز نیست و هرگاه مکان برص و امثال آن متعدد باشد، یکبار بر همه‌ی موضع نباید ضماد نمود، بلکه بر موضع بعض دون بعض تا همه ضماد شود و بعد از آبله کردن به مراهم مناسبه علاج کنند. سلیمانی یک جزو و صندل سفید سوده پنج جزو را با آب سرشته و استعمال نمایند و اگر یک جزو سلیمانی را با دو جزو صندل سفید و دو جزو خمیر مایه و دو جزو قسط تلخ و یک جزو انزروت ضماد نمایند، اولی است و حقیر تجربه نموده.

- ضماد داءالتلعب و داءالحیه: از مجرّبات حقیر و بیعديل است. کندش و شیطرج از هر یک جزوی و زرنیخ سرخ دو جزو را با روغن زیتون طلا کنند.
- ضماد: جهت سعفه یابسه و قوبا که با خارش و سوزش باشد در دو سه دفعه زایل می‌کند و از مخترعات حقیر و مجرّب است. مغز تخم کدو، توتیای مغسول و شنجرف را با شیر تازه ضماد نمایند.
- قطور دیگر: از مجرّبات امیر عطاءالله جد حقیر است جهت گرانی سامعه و کری و دوی و طینی. بوره ارمنی ۳ دانگ، شحم حنظل ۱ ل، جند بیدستر نیم ل، زراوند مدرج نیم ل، عصاره‌ی افستین، فرفیون ۱ دانگ، قسط تلخ ۱ دانگ را با زهره‌ی گاو سرشته و در روغن بادام تلخ حل کرده و بچکانند.
- حقنه: جهت اسهال صفراؤی و کرائی که با تب و سده باشد از مجرّبات حقیر. خبازی ۲ ل، بنفسه ۵ ل، نیلوفر ۳ ل، جو مقشر ۱۰ ل، سپستان ۲۰ عدد، عنب‌التلعب ۵ ل، پوست هلیله‌ی زرد ۵ ل و تخم کدوی نیمکوب ۷ ل را جوشانیده با لعاب بزرقطونا ۱۰ ل و روغن تخم کدو ۱۰ ل و شیرخشت ۱۰ ل حقنه نمایند.
- فتیله: به جهت رفع حرقه البول و قطع چرک آن بهغايت نافع و از مخترعات حقیر است و بهغايت مجرّب و به دستور جهت نواصیر بیعديل است، چون فتیله را در

**اصطلاحات:**

- افتیمون: سس شبدری، *Cuscuta epithymum* .(۱۲)
- افستین: *Artemisia absinthium* .(۱۱-۱۲)
- افیون: خشخاش، *Papaver somniferum* .(۵)
- اقاقيا: صمع عربی، *Acacia arabica* .(۵,۱۱)
- اقط: کشك (۲).
- اقلیمیا: کف و دردی که از ذوب فلزاتی مانند طلا، نقره و مس در دیگ گذاز فلزات به دست آمده و سپس منجمد می‌گردد (۲).
- اکلیل‌الملک: *Astragalus hamosus* .(۱۱-۱۲).
- الیه: دنبه (۲).
- امعاء: روده‌ها (۲).
- اناردان: دانه‌ی انار (۲).
- انجبار: هفت‌بند اروپایی، *Polygonum bistorta* .(۱۰-۱۱)
- انجدان: آنخوزه، *Ferula assa-foetida* .(۱۱-۱۲)
- انجره: گزنه، *Urtica pilulifera* .(۷)
- Astragalus* انزروت: *Astragalus sarcocolla* .(۱۱-۱۲)
- .(۷) *arbusculinus*
- انصباب: ریزش (۱۳).
- انیسون: *Pimpinella anisum* .(۷)
- اوچاع: جمع ووج به معنی درد (۹).
- اهلیچ: هلیله (۲).
- ایرسا: زنبق، *Iris florentina* .(۵,۱۱)
- بابونه: *Matricaria chamomilla* *Anthemis nobilis* .(۷,۱۱)
- بادسرخ: سرخی است که بر صورت و اطراف آن پدید آید (۹).
- Melissa* بادرنجبویه: *Asperugo procumbens* .(۷,۱۰)
- .(۱۱-۱۲) *officinalis*
- بادنجان: *Solanum melongena* .(۵,۱۱)
- بارتنگ: بارهنگ، *Plantago major* .(۵,۱۱)
- بالنگو: *Lallemantia royleana* .(۱۰-۱۱)
- باه: قواه جنسی (۹).
- بشور: جوش‌های ریز (۶).
- بخور: هرچه دود او را استعمال نمایند (۲).
- برص: پیسی (۶).
- برنجاسف: *Achillea millefolium* ،*Achillea eriophora* .(۵)
- .(۱۱-۱۲) *Aremisia vulgaris*
- آبنوس: *Diospyros ebenum* .(۵)
- آتشک: سیفلیس (۶).
- آس: مورد *Myrtus communis* .(۷)
- آکله: خوره (۸).
- آلام: جمع ال به معنی درد (۹).
- آمله: *Phyllanthus emblica* .(۱۰-۱۱)
- ابرون: گیاه همیشگی، *Sepervivum arboreum* .(۱۱)
- ابهل: ثمر گیاه، *Juniperus Sabina* .(۷)
- اثلق: پنج انگشت، *Vitex agnus-castus* .(۱۲)
- احتراق: سوختن (۹).
- احریض: کافشه، *Carthamus tinctorius* .(۱۱)
- اختلال: انقباض و تشنج شدید و غیرارادی عضلات و اعضا (۶).
- اختلاط ذهن: پریشان خاطری (۱۳).
- اختناق رحم: بیماری شبیه صرع و غشی متناوب که بیشتر در زنانی که بی‌نظمی عادت ماهیانه دارند یا در زنان بی‌شوهر پدید می‌آید، *Hysteria* .(۹)
- ادرار حیض: جریان یافن و خروج خون قاعدگی (۹).
- اذابه: ذوب شدن (۱۳).
- اذاراقی: *Strychnos nux-vomica* .(۱۰)
- اذخر: *Andropogon schoenanthus* .(۱۱)
- ارز: برنج، *Oryza sativa* .(۷)
- اسارون: *Asarum europaeum* .(۱۰)
- استسقاء: آب آوردن شکم، جمع شدن آب بین دو پرده‌ی صفاق (۹).
- استمساک: احتباس (۱۳).
- اسطوخودوس: *Lavandula stoechas* ،*Nepeta menthoides* .(۱۱,۱۵)
- اشربه: نوشیدنی‌ها (۱۳).
- اشق: وشا، *Dorema ammoniacum* .(۷)
- اشنه: *Muscus arboreus* .(۱۱)
- اصل: ریشه (۱۳).
- اعاده: بازگرداندن (۱۳).
- اعضای رئیسه: قلب و مغز و کبد (۱۴).

- بزرالبنج: (.۱۰-۱۱) *Ipomoea turpethum*  
 بزرقطونا: اسفرزه، (.۷) *Citrus medica*  
 بسباسه: جوز بoya، (.۱۰-۱۱) *Myristica fragrans*  
 بستان افروز: تاج خروس، (.۵، ۱۰) *Amaranthus paniculatus*  
 بسد: ریشه‌ی مرجان (۲).  
 بسرشند: مخلوط کنند (.۱۳).  
 بسفایج: بسپایک، (.۷) *Polypodium vulgare*  
 بشره: صورت (.۱۳).  
 بطیخ: خربزه (.۱۲) *Cucumis melo*  
 بلح: غوره‌ی خرما (۲).  
 بلسان: *Commiphora opobalsamum* (.۱۰-۱۱)  
 بلوط: (.۱۱-۱۲) *Quercus ilex*  
 بليله: (.۱۰-۱۱) *Terminalia bellerica*  
 بنفسج: بنفسه‌ی معطر، (.۷) *Viola odorata*  
 بواسیرالأنف: پولیپ بینی (۹).  
 بوزیدان: پنیرباد، (.۷، ۱۰) *Withania somnifera*  
 بول: ادرار (.۱۳).  
 بولالدم: ادرار خونی (۹).  
 بهق: لک و پیس ظاهر پوست، فرق میان آن و برص آن است که  
 برص به عمق پوست نفوذ می‌کند بر خلاف بهق که سطحی  
 است (۶۸).  
 بهمن سفید: گل گندم طلایی، (.۵، ۱۱) *Centaurea behen*  
 بهمن سرخ: (.۱۸) *Statice limonium*  
 بیاض: لکه‌ی سفید روی قرنیه، (.۸) *Leukoma*  
 بیختن: الک کردن (۱۳).  
 بیدانجیر: کرچک (۲).  
 پرسیاوشان: (.۷) *Adiantum capillus veneris*  
 پودنه: پونه، (.۱۱) *Mentha pulegium*  
 تافتون: گرم کردن (۱۳).  
 تب ربع: تب نوبه که هر چهار روز یکبار ظاهر می‌شود (۹).  
 تجفیف: خشک کردن (۱۳).  
 ترب: (.۱۰-۱۱) *Raphanus sativus*
- تربد: (.۱۰-۱۱) *Ipomoea turpethum*  
 ترنج: (.۷) *Citrus medica*  
 ترنجبین: (.۱۰، ۷) *Alhagi camelorum*  
 تره تیزک: شاهی، (.۷) *Lepidium sativum*  
 تسمین: چاق شدن (.۱۳).  
 تشویه: بریان کردن (.۱۳).  
 تقشّر: پوسته پوسته شدن (.۱۳).  
 تقطیرالبول: چکه چکه آمدن ادرار (۸).  
 تمرا: خرما (۲).  
 تمرا هندی: (.۱۰-۱۱) *Tamarindus indica*  
 تهیج: ورم (.۱۳).  
 توییا: دارویی که از رسوب دود و بخارهای سنگ سرب در موقع  
 گذاختن آن در کوره به دست می‌آمده است و احتمالاً اکسید  
 ناخالص روی می‌باشد (۹، ۲۱).  
 ثالیل: جمع ثولول به معنی زگیل (۹).  
 ثفل: تفاله (.۱۳).  
 ثقل: سنگینی (.۱۳).  
 ثقبه: سوراخ (.۱۳).  
 جاوشیر: (.۱۱-۱۲) *Opopanax chironium*  
 جرب: خارش (۱۵).  
 جرمیلک: ریشه‌ی جرمیل (.۱۱) *Frankenia laevis*  
 جعده: مریم نخودی *Ajuga iva*, (.۱۰-۱۱) *Teucrium polium*  
 جفتالبلوط: پوست نازک بلوط که چسبیده به مغز آن است (۲).  
 جلغوزه: مغز دانه‌ی صنوبر (۲).  
 جلاب: گلاب (۲).  
 جلوس: نشستن (.۱۳).  
 جمیز: (.۱۹) *Ficus sycomorus*  
 جوزالسرّو: بار درخت سرو است، *Cupressus sempervirens*  
 (.۱۰-۱۱)  
 جوزبوا: جوز بoya، (.۷) *Myristica fragrans*  
 چوب چینی: (.۵-۱۲) *Smilax glabra*  
 حب الغار: دانه‌ی برگ بو، (.۵، ۱۱) *Laurus nobilis*  
 حب القرع: کرم کدو (۲).

بریزد. به این علت به آن داءالشعلب گویند که در رویاه شایع است،  
. (۱۵) *Alopecia*

داءالجيء: عارضه‌ای که در آن علاوه بر ریزش مو، پوست نیز جدا  
می‌گردد. در واقع ریزش مو همراه با پوست ریزی می‌باشد،  
. (۱۵) *Ichthyosis*

داخس: درد ناخن، عقریک (۶).  
. (۷) *Cinnamomum zeylanicum*

دارچینی: دارچین،  
. (۱۱) *Colycotom spinosa*

دارشیشعان: دارشیشعان  
. (۷) *Piper longum*

دارفلفل: فلفل دراز،  
دجاج: مرغ (۲).  
. (۱۱) *D. scorpioides*, (۱۲) *Doronicum pardalianches*

درونج: دفلی: خرزهره،  
. (۱۱-۱۲) *Nerium oleander*

دماغ: مغز (۲).

دم الأخوين: خون سیاوشان،  
. (۱۰-۱۱) *Dracaena cinnabari*

دمعه: اشک و در اینجا به معنی آبریزش چشم (۶).

دوار: سرگیجه (۹).

دووق: تخم زردک بری،  
. (۱۰-۱۱) *Daucus carota*

دوی: وزوز گوش (۹).

دهن: روغن (۸).

ذات‌الجانب: درد پهلو، التهاب پرده‌های جنب ریه،  
. (۹) *Pleurisy*

ذرور کردن: به صورت پودر بر اعضا پاشیدن (۲).

ذوبان: لاغری (۹).  
. (۷) *Foeniculum vulgare*

رازیانه: ربو: آسم (۶).

رتیلا: رتیل (۱۳).  
. (۷) *Vitis vinifera*

رز: درخت انگور،  
رعاف: خونریزی از بینی (۶).

رمد: ورم ملتحمه است که با سرخی و ترشحات چشم همراه  
می‌باشد،  
. (۱۶) *Conjunctivitis*

روناس: روناس:  
. (۷) *Rubia tinctorum*

رياح: جمع ريح است و ريح بادی است که در شکم باشد یا در  
پيوندگاه اندامها همراه با درد پیدا می‌شود (۹).

ريحان: *Ocimum basilicum, O. minimum*  
ريوند: *Rheum palmatum* (۷)

حب الملوك: ماہودانه،  
. (۱۱) *Euphorbia lathyris*

حب النيل: تخم نیلوفر،  
. (۵،۱۱) *Ipomoea hederacea*

حجر البقر: سنگی است که در زهره و شیردان گاو ایجاد  
می‌شود (۲).

حرقه‌البول: سوزش ادرار (۹).

حرمل: اسفند،  
. (۱۰،۱۱) *Peganum harmala*

حزاز: مرضی در پوست که گستردگی شود و با خارش  
همراه است (۶).

حسن‌لبان: صمغ درخت مصطفکی،  
. (۷) *Pistacia lentiscus*

حصات: سنگریزه (۱۳).

حضرض مکّی: (۱۱-۱۲) *Lycium afrum*

حقنه: تنقیه (۱۳).

حکّه: خارش (۶).

حلبه: شبليله،  
. (۷) *Trigonella foenum-graecum*

حماض: ترشک،  
. (۱۱) *Oxalis acetosella*, (۱۱-۱۲) *Rumex acetosa*

حمامما: هل باد،  
. (۱۱) *Amomum cardamom*

حمره: بادسخ (۸).

حملول: دارویی که آنرا بر پارچه آغشته و آنرا در فرج یا مقعد  
قرار دهند (۹).

حنظل: هندوانه ابوجهل  
. (۷) *Citrullus colocynthis*

خربق سفید: (۱۱-۱۲) *Veratrum album*

خرفة: (۷) *Portulaca oleracea*

خصیبه: بیضه، تخدمان (۹).

خصیه‌الثعلب: (۱۱) *Orchis hircine*

خصاب: آنچه که موی سر و صورت یا پوست بدن را به آن رنگ  
کنند (۸).

خطاف: پرستو (۲).

خطمی: (۵-۱۲) *Alcea spp.*, (۵) *Althaea officinalis*

خفقان: تپش قلب (۹).

خلاف: بید،  
. (۵،۷،۱۱) *Salix spp.*

خوخ: شفتالو،  
. (۱۱) *Prunus persica*

خولنجان: *Alpinia galanga, A.officinarum* (۵،۷)

خیارشنبر: فلوس  
. (۵،۱۱) *Cassia fistula*

داءالشعلب: عارضه‌ای که در آن موی سر، ابرو، ریش یا همه‌ی بدن

- سفرجل: به، *Cydonia oblonga* (۷).
- سکینچ: *Ferula persica* (۱۰).
- سلاق: سرخ شدن و سطبر شدن کتاره‌های پلک چشم، *Blepharitis* (۱۶).
- سلیخه: *C. cassia*، *Cinnamomum iners* (۱۱)، *C. cassia*، *Cinnamomum iners* (۱۲).
- سماق: *Rhus coriaria* (۷).
- سن: *Cassia angustifolia* (۵)، *Cassia angustifolia* (۱۱).
- سناء‌مکی: *Cassia acutifolia* (۱۰-۱۱).
- سبل‌الطبیب: *Nardostachys jatamansi* (۷).
- سنجد: *Elaeagnus angustifolia* (۱۱).
- سنون: دارویی که بر دندان مالند (۲).
- سوء‌القینه: سوء مزاج یا فساد مزاج و در مجموع می‌توان آنرا هپاتیت و یا *Ascites* محسوب داشت (۹).
- سوء‌النفس: تنگی نفس (۹).
- سودن: آسیاب کردن (۱۳).
- سورنجان: *Colchicum autumnale* (۱۱-۱۲).
- سوزنک: سوزاک (۸).
- سوس: شبیرین‌بیان *Glycyrrhiza glabra* (۱۰-۱۱).
- سوسن آسمان‌جوانی: زنبق، *Iris germanica* (۱۱)، *I. germanica*، *Iris florentina* (۱۲).
- سوسن کبود: سوسن آسمان‌جوانی (۲).
- سیسالیوس: *Seseli tortuosum* (۱۱).
- سیلان خون: خونریزی (۹).
- شادیج: نوعی سنگ عدسی شکل و بهرنگ خون که ترکیب اصلی آن اکسید‌آهن سه ظرفیتی می‌باشد (۲، ۲۱).
- شاهتره: *Fumaria parviflora* (۷).
- شب‌یمانی: نوعی زاج سفید که بیشتر در یمن به‌دست می‌آید (۲، ۲۲).
- شحم: گوشت (۱۳).
- شری: محمک (۶).
- شعیر: جو، *Hordeum vulgare* (۷).
- شقاق: ترک (۱۳).
- شقاقل: *Malabalia sakakul* (۷)، *Polygonatum orientale* (۷)، *Pastinaca schekakul* (۱۲).
- شنجرف: همان زنجفر است که سولفید جیوه می‌باشد.
- زبدالبحر: کف دریا، کربنات کلسیم (۲۱).
- زحیر: پیچاک شکم که خون برآرد، اسهال توأم با پیچش (۶).
- زراآند طویل: *Aristolochia longa* (۱۰-۱۱).
- زراآند مدرج: *Aristolochia rotunda* (۱۰-۱۱).
- زردچوبه: *Curcuma longa* (۷، ۱۲).
- زردک: هویج، *Daucus carota* (۱۰-۱۱).
- زرشک: انبرباریس، *Berberis vulgaris* (۱۰-۱۱).
- زرنب: سرخدار، *Taxus baccata* (۱۰-۱۱).
- زرنbad: *Curcuma zedoaria* (۵)، *Zingiber zerumbet* (۱۱)، *Zingiber zerumbet* (۷)، *Zingiber officinale* (۱۰-۱۱).
- زرنیخ: سولفور آرسنیک (۲۱).
- زعفران: *Crocus sativus* (۷).
- زنجبیل: *Zingiber officinale* (۷).
- زووای خشک: *Hyssopus officinalis* (۱۰-۱۱).
- زیت: روغن زیتون (۲).
- زیره کرمانی: کمون کرمانی، *Bunium persicum* (۷).
- سادچ هندی: *Cinnamomum citriodorum* (۱۱).
- سبل: تورم و برآمدگی رگ‌های سطحی قرنیه همراه با نفوذ و رویش بافت‌های دانهوار، *Pannus* (۱۶).
- سپرزا: طحال (۲).
- سحچ: خراش روده (۶).
- سدد: جمع سده که به معنی گرفتگی یا بسته شدن هریک از مجاری یا رگ‌های بدن می‌باشد (۹).
- سدر: تیرگی چشم که با گرانی و گردش سر پدید می‌آید (۹).
- سدس: یک ششم (۱۳).
- سرطان: خرچنگ (۲).
- سطاریون: ثعلب، *Orchis hircina* (۱۱).
- سعال: سرفه (۶).
- سعد: *Cyperus longus* (۱۱-۱۲).
- سعقه: زخم‌هایی که در سر و صورت و گاه در تمام بدن ظاهر می‌شود. این عارضه کچلی، اگزما یا پدیده‌های آماسی است که در اپی‌درم پدیدار می‌گردد و نشانه‌های آن سرخی، خارش، برآمدگی‌های کوچک و بالاخره تاول و زخم است (۹).
- سعوط نمودن: چکانیدن داروی مایع در بینی (۲).

- فطراسالیون: *Carum petroselinum* .(۱۱) فقار: شکوفه (۲).  
 فلفل سیاه: *Piper nigrum* .(۷،۱۱) فوف: *Areca catechu* .(۱۰-۱۱)  
 فو: ریشه *Valeriana dioscorides* .(۱۱) قدر شربت: میزان مصرف (۸).  
 قرحة امعاء: زخم روده (۹).  
 قردمات: زیره وحشی، *Lagoecia cuminoides* .(۱۱) قرطم: تخم کافشه، *Carthamus tinctorius* .(۱۱-۱۲)  
 قرع: کدو، *Cucurbita pepo* .(۷) قرنفل: میخک، *Eugenia caryophyllata* .(۱۱) قروح خبیثه: زخم‌های بد و دیر علاج (۹).  
 قروح ساعیه: زخم‌های فراگیر، کفگیرک (۹).  
 قسط بحری: *Costus speciosus* .(۲۰) قسط تلخ: *Costus amarus* .(۱۰) قصب الذریره: *Swertia chirata* .  
 قضیب: آلت تناسلی مرد (۹).  
 قطن: پنبه *Gossypium spp.* .(۱۰-۱۱) قطور: شکل دارویی معادل قطره امروزی (۸).  
 قنطوریون رقیق: قنطوریون صغیر، *Erythraea centaurium* .(۱۱) قنه: باریجه، *Ferula galbaniflua* .(۱۰-۱۱)  
 قوبا: خارش و زخم پوست (۹).  
 قولنج: درد ناگهانی در ناحیه شکم بهخصوص قسمت‌های مجاور کولون (۹).  
 کات هندی: صمغ، *Acacia catechu* .(۵،۱۱) کاسنی: هندبا، *Cichorum intybus* .  
 کافشه: احریض، *Carthamus tinctorius* .(۱۰) کبابه: *Piper cubeba* .  
 کبر: *Capparis spinosa* .(۱۰-۱۱) کبریت: گوگرد (۲).  
 کثیرا: کثیرا، *Astragalus gummifera* .(۷-۱۱) کراتی: سبز رنگ شبیه به رنگ تره (۱۳).  
 کرچک: *Ricinus communis* .(۱۰) کرفس بستانی: کرفس، *Apium graveolens* .(۱۰-۱۱)  
 شیرخشت: *C. numularia* ، *Cotoneaster numularioides* .(۷) شیطرج: موچه، *Lepidium latifolium* .(۱۱-۱۲)  
 شوکران: *Conium maculatum* .(۱۰-۱۱) شونیز: سیامدانه، *Nigella sativa* .(۷) صبر: *Aloe vera* ، *Aloe littoralis* ، *A. barbadensis* .(۱۱-۱۲)  
 صمغ عربی: *Acacia Arabica* .(۵،۱۲) صندل سفید: *Santalum album* .(۱۰-۱۱)  
 ضان: گوسفند (۲).  
 ضيق النفس: تنگی نفس (۹).  
 ضيقه: تنگ (۱۳).  
 طباشير: *Bambusa arundinacea* .(۱۰-۱۱) طبیخ: جوشانده (۲).  
 طراف: گر، *Quercus infectoria* ، *Q. brantii* .(۱۱-۱۲) عاقرقحا: *Tamarix gallica* .(۷)  
 طلا کردن: مالیدن دوای رقیق بر اندام است (۲).  
 عاقرقحه: *Anacyclus pyrethrum* .(۱۰-۱۱) عرق النساء: سیاتیک (۹).  
 عاقیر: مفرادات شامل گیاهان و حیوانات و معدنیات (۲۱).  
 علت: بیماری (۱۳).  
 علف هندی: سبنل الطیب، *Nardostachys jatamansi* .(۷) علکالبطم: سقّر که صمغ درخت بطم می‌باشد  
 علل: بیماری‌ها (۱۳).  
 عنصل: اسقلیل، *Scilla maritima* .(۱۱) عناب: *Zizyphus vulgaris* .(۷،۱۰)  
 عنبرالشعلب: تاجریزی سیاه، *Solanum nigrum* .(۱۰-۱۱) غاریقون: *Polyporus officinale* .(۷)  
 غافث: *Agrimonia eupatoria* .(۱۱-۱۲) فالج: فالج (۹).  
 فتیله: دارویی که بر پنبه مالیده و در مجاری یا درون زخم قرار می‌دهند (۲).  
 فربه: چاق (۱۳).  
 فرفیون: *Euphorbia resinifera* .(۵،۱۱) فستق: پسته، *Pistacia vera* .(۷)

- بیمار ستیر می‌شود (۱۷).  
ماهیز هرج: (۱۰-۱۱) *Anamirta paniculata*  
مامیران: (۷) *Chelidonium majus*  
مبرودین: سرد مزاجان (۱۳).  
متحجّره: سنگ شده (۱۳).  
محترقه: سوخته (۱۳).  
محرق: سوخته (۱۳).  
محکوک: ساییده (۱۳).  
 محلب: (۱۱) *Prunus mahaleb*  
 محموده: سقمونیا، (۵، ۱۱) *Convolvulus scammonia*  
مردانسگ: اکسید سرب (۲۱).  
. (۷) *O. vulgare*, (۵، ۱۱) *Origanum majorana*  
مرزنجوش: (۱۱) *Commiphora myrrha*  
مرّاصاف: مسحوق: ساییده شده (۱۳).  
مسکر: مست کننده (۱۳).  
مشهی: اشتہا آور (۱۳).  
مشوی: بریان شده (۱۳).  
مشکطر امشیع: (۱۱) *Origanum dictamnus*  
مصطفکی: (۷) *Pistacia lentiscus*  
مضمحل: له (۱۳).  
مطبوخ: جوشانده (۱۳).  
معرق: عرق آور (۱۳).  
معصور: فشرده (۱۳).  
مغسول: شسته (۱۳).  
مفتوح: گشاینده (۱۳).  
مفرح: شادی بخش (۱۳).  
مقرّض: ریزه شده، خرد شده (۱۳).  
مقشر: پوست کننده (۱۳).  
. (۱۰-۱۱) *Commiphora mukul*  
مقل ازرق: (۱۱) *Commiphora africanum*, *Hyphaene thebaica*  
من: ۳ کیلوگرم (۹).  
من شاه: ۶ کیلوگرم (۹).  
منقّی: صاف کننده و پاک کننده (۲).  
منوم: خواب آور (۱۳).  
کرویا: (۱۱) *Carum carvi*  
کرمازج: ثمر درخت طرا است (۲).  
کشوٹ: (۲۰) *Cuscuta monogyna*  
کلف: کک مک و لک صورت (۹).  
. (۷) *Zizyphus spina-christi*  
کنجد: (۷) *Sesamum indicum*  
کندر: (۷) *Boswellia carterii*  
کندر ذکر: صمغ صلب مایل به سرخی گیاه کندر را کندر ذکر و سفید سست را انشی نامند (۲).  
کندش: (۱۱) *Gypsophila struthium*  
گردکان: گردو (۲).  
گرده: کلیه (۲).  
. (۷) *Coriandrum sativum*  
گشنیز: (۱۱، ۷) *Rosa spp.*  
گل سرخ: (۱۰) *Echium amoenum*:  
گل گاوزبان: مربایی است که از برگ‌های گل سرخ با شکر تهیه می‌کنند (۲).  
گلقدن: تره (۱۱) *Allium porrum*  
لادن: صمغ بعضی گیاهان جنس *Cistus* نظری  
لحم: گوشت (۱۳).  
لحیه‌تیس: (۱۱) *Tragopogon pratensis*  
لذاع: سوزاننده (۱۳).  
لسان الثور: گاوزبان (۲).  
لسان العصافیر: زبان گنجشک (۱۱) *Fraxinus excelsior*  
لعوق: دارویی که آن را بليستند (۲).  
لقوه: فلچ و رعشه‌ی صورت، کجی دهان (۶، ۹).  
لک: صمغ درختی است که گیاهان زیادی را به آن نسبت داده‌اند (۲).  
لینت: نرم کردن (۱۳).  
لمازو: (۱۰-۱۲) *Quercus lusitanica*, *Q. infectoria*  
ماساریقا: روده‌بند، مزانتری (۱۳).  
مالیخولیا: بیماری سوداوی که همراه با غم و اندوه، ترس و بدبینی می‌باشد (۱۷) *Melancholi*  
مالیخولیای مراقی: نوعی مالیخولیا که عقیده داشتند در آن گردن

نوع: <i>Mentha piperita</i> (۱۱).	مهر: خوب پخته شده (۱۳).
نمله: جوش و بثورات پوستی (۹).	مو: ریشه‌ی <i>Meum athamanticum</i> (۱۱).
نواصیر: جمع ناصر که به معنی زخمی است که آب کشیده و ورم کرده و چرکی شده باشد، فیستول (۶,۹).	مورد: <i>Myrtus communis</i> (۷).
نوشادر: آمونیوم کلرید (۲۱).	میعه سایله: عنبر سایله، <i>Styrax</i> (۵)، <i>Liquidambar orientalis</i> (۱۱-۱۲).
نیچه: لوله‌ای که میان قرع و انبیق قرار دارد و آن دو را بهم متصل می‌کند (۱۳).	میغختیج: آب انگور است که هنگام جوشیدن دو سوم آن تبخیر شود و غلیظ گردد و مایل به ترشی می‌باشد (۲).
نیلوفر: <i>Nymphaea alba</i> (۷).	نارجیل: نارگیل، <i>Cocos nucifera</i> (۱۱).
هاضم: هضم کننده (۱۳).	ناردان: دانه‌ی انار (۲).
هلیله زرد: <i>Terminalia citrina</i> (۵).	ناردين: سنبل الطیب، <i>Nardostachys jatamansi</i> (۷).
هلیله سیاه: <i>Myrobalanus nigra</i> , <i>Terminalia horrida</i> (۱۹).	نارنج: <i>Citrus aurantium</i> (۸).
هلیله کابلی: <i>Terminalia chebula</i> (۵).	نارنچک: نارنج کوچک (۲).
هوام: جانوران خزنده و گزنده (۲).	نانخواه: زینیان، <i>Carum copticum</i> (۱۰-۱۱).
هوچویه: ابوخلسا، <i>Alkanna tinctoria</i> (۲۰).	نحس: احساس و ادراکی که گویا خار و پیکان در بدن فرو می‌کنند (۱۴).
هیل: هل (۷).	نزف الدم: خونریزی (۶).
وجع: درد (۹).	نزلات: جمع نزله به معنی ترشحات مغز که از طریق بینی خارج نشده و به حلق و سینه فرود آید (۱۴).
وسمه: برگ نیل (۱۱).	نسیان: فراموشی (۱۳).
وج: اگیر ترکی، <i>Acorus calamus</i> (۷).	تضیچ: پخته شدن ماده‌ی بیماری (۱۴).
وخز: احساس و ادراکی که گویا سوزن بر بدن فرو می‌کنند (۱۴).	
بیوست: خشکی (۱۳).	

## منابع

- دانشنامه‌ی جهان اسلام: زیر نظر: حداد عادل، غلامعلی. ج. ۶. انتشارات بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- تنکابنی حکیم، محمد مومن: تحفه المومین. تصحیح: رحیمی، روحا؛ شمس اردکانی، محمد رضا؛ فرجادمند، فاطمه. انتشارات نشر شهر، تهران، ۱۳۸۶.
- سعید حکیم، محمد: فارماکوپه طب شرقی همدرد. انتشارات موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۲.
- میر، محمد تقی؛ اصفهانی، محمد مهدی: واژه‌نامه‌ی فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۷.
- امین، غلامرضا: متداولترین گیاهان دارویی سنتی ایران. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، تهران، ۱۳۸۴.
- عقیلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: قرابادین کبیر. انتشارات کتابفروشی محمودی، تهران، ۱۳۷۷.

٧. الجرجانی، اسمعیل بن الحسن بن محمد الحسینی: الاغراض الطیبیه و المباحث العالئیه. تصحیح و تحقیق: تاج بخش، حسن. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۵.
٨. هوپر، دیوید: گیاهان سودمند و دارویی ایران و عراق. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، ۱۳۸۲.
٩. بک، احمد عیسی: معجم اسماء النبات. دار الرائد العربي، بیروت، ۱۹۸۱.
١٠. رازی محمد بن زکریا: الحاوی. ترجمه‌ی: طباطبایی، سید محمود. ج. ۲۲. شرکت داروسازی الحاوی، تهران، ۱۳۷۲.
١١. دهخدا، علی‌اکبر: لغت‌نامه. به کوشش: معین، محمد؛ شهیدی، سید جعفر. انتشارات دانشگاه تهران، موسسه‌ی لغت‌نامه، ۱۳۷۳-۷۲.
١٢. عقیلی خراسانی شیرازی، محمد حسین: خلاصه الحکمه. تحقیق: ناظم، اسماعیل. انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۵.
١٣. میر، محمد تقی: فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۷۶.
١٤. رازی، محمد بن زکریا: الحاوی، بیماری‌های چشم و چشم پزشکی. ترجمه‌ی: طباطبایی، سید محمود. ج. ۲۰. شرکت داروسازی الحاوی، تهران، ۱۳۷۲.
١٥. رازی، محمد بن زکریا: الحاوی. بیماری‌های مغز و اعصاب و روان. ترجمه‌ی: طباطبایی، سید محمود. ج. ۱. انتشارات شرکت داروسازی الحاوی، تهران، ۱۳۷۲.
١٦. بیرونی، ابوالیحان: الصیدنه فی الطب. تصحیح: زریاب، عباس. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
١٧. قهرمان، احمد؛ اخوت، احمد رضا: تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳.
١٨. سلطانی، ابوالقاسم: دایره المعارف طب سنتی (گیاهان دارویی). انتشارات ارجمند، تهران، ۱۳۸۴.
١٩. زکریا، محمد: کتاب الاسرار. ترجمه‌ی: شبانی، حسنعلی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۹.